

شهيد محمد ابو علي



ازتباير علی
سمايه جامع سرداران و هزار شهيد استان بوشهر

	نام پدر
	تاریخ تولد
—	محل تولد
	تاریخ شهادت
	محل شهادت
	مسئولیت
	نوع عضویت
	شغل
	تحصیلات
	مدفن

زندگینامه

شهید محمد ابوعلی در سال ۱۳۳۱ در روستای جتوط از توابع شهرستان دشتستان چشم به جهان گشود وی در نوجوانی از نعمت وجود پدر محروم گشت . این شهید بزرگوار دارای اخلاق حسنه و نیکو بود لذا رفتاری و اخلاق ایشان زبان زد خاص و عام بود . در باب ادا عبادت و نیایش به درگاه معبود خویش کمتری می شد که در منزل نماز بخواند بیشتر اوقات برای اقامه نماز به مسجد می رفت .

شهید در مورخه ۱/۹/۱۳۶۵ با اصرار زیاد عازم میادین حق علیه باطل می شوند که شرکت در عملیات کربلای ۴ که فجر به مفقودیت این شهید گران قدر و پس شهادت سراسر افتخار وی می گردد . پیکر پاک و مطهرش پس از سال هخا در منطقه عملیاتی صحرای گرم خوزستان و جنوب توسط گروه تفحص سپاه پاسداران و ارتش شناسائی و در کنار دوستان شهید در زادگاهش به خاک سپرده می شود .

وصیت نامه

وصیتنامه بسیجی شهید محمد ابو علی

بسم الله الرحمن الرحيم

و جعلنا من بین ایدیهم سداً و من خلفهم سداً فاخشیانهم فهم لا یبصرون

با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و با سلام به خانواده معظم شهدا و اسرا و معلولین و با سلام به امت حزب ا.. و همیشه در صحنه این جانب محمد ابوعلی برای یاری حسین زمان خمینی بت شکن راهی جبهه های نبرد نور علیه ظلمت می شوم تا این جان نا قابل را فدای اسلام عزیز بنمایم و تا ان شاء الله ایران عزیز را از وجود سربازان بعثی پاک نمائیم تا با نابودی صدام منطقه خاورمیانه هم زمینه ساز آزادی قدس شود. برادران حزب الله توصیه من به شما این است که گوش به فرمان امام باشید و او را تنها نگذارید و از فرمایشات پیامبر گونه اش استفاده کنید و از شما می خواهم که اخلاص اسلامی را رعایت نمائید و وحدت و یکپارچگی را حفظ نمائید تا این منافقین از خدا بی خبر نتوانند در بین شما اختلافی بوجود بیاورد. و از خانواده ی محترم می خواهم که فرزند عزیزم که بعد سالها آرزو خدا به من عطا فرمود آموزش نظامی بدهید و او را رزمنده ببار بیاورید تا بتواند انشاءالله بعد از آزادی کربلای خونین حسینی سلاح به زمین افتاده ی مرا بردارد و برای آزادی قدس به جبهه بیاید. مادر عزیزم تو به پای من خیلی زحمت کشیدی و به اندازه یک پدر فعال در زندگی گوشش نمودی و حق زحمت شما گفتنش از زبان من تکمیل نمی شود و حق پدر و مادر را فقط خداوند عارف است مادرم به خواهرانم بگو مانند سه برادر با من در زندگی همکاری نمودند خواهرانم برای رضای خدا مرا ببخشید و همچنین تو مادر مهربانم مادر عزیزم اگر من شهید شدم به والله به آرزوی خود رسیده ام برای اینکه سالها از خداوند می خواستم که توفیق در خانه اش که به من حقیر عطا کند به خویشاوندان من بگوئید من برادری ندارم که خانه ام را بدستش بسپارم روزی را خدا می دهد ولی شما سرپرست خانه ما باشد. به امید پیروزی لشکریان توحید - خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار - سرباز کوچک اسلام محمد ابوعلی

نویسم نامه ایی بر مادر زار

که او باشد ز حال من خبر دار

اگر من گشته گشتم دست بعثی

به دست خود مرا از خاک بسپار ۳۰/۹/۱۳۶۵



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران